

نگاه

در فقدان فرهاد مشیری

کو کوزه‌گر و کوزه‌خر و ...



جاوید رضانی

منتقد وپژوهشگر

در فقدان، نوشتن را جذاب نمی‌دانم، به‌ویژه رخداد فقدان نه یادآوری فقدان.... بنابراین فقدان فرهاد مشیری را بهانه همدردی برای نسلی می‌دانم که در شکاف امروز و دیروز قرار گرفت و در هر فضای میان جهان نمود و وانمود دردمند زیست. خیلی به این نسل بازی اقتصادی و مشتری‌مداری هم‌نسل و هم‌نسل‌سازی اعتقادی ندارم ولی گفتمان دوران را نمی‌توان نادیده گرفت. ادعای عبور از مدرنیسم من را یاد الکساندر دوکین، جامعه‌شناس روس، می‌اندازد که مخالف لیبرالیسم و مدرنیسم است و همیار جناب پوتین.

تفاوت دوکین با دوستان هنرمحور و مدعی عبور از مدرنیسم هنر ایرانی در یک نکته ساده است که تجربه زیسته کدام نسل از هنرمندان ایرانی این امر را حمایت می‌کند. آیا دوکین ۶۲ساله با تجربه زیستن هنرمندان و متفکران جوان پس از او و به همین سیاق مشیری ۶۱ساله می‌تواند عبورکننده از هنر مدرن ایرانی باشد یا نقاشان نیویورکی نمای داخلی دهه ۶۰ شمسی و به همان سیاق گالری‌داران و منتقدان جوان. نه اینکه من ۶۰ساله باشم و اعتباری برای هم‌نسلانم قائل باشم ولی در کمترین حالت تجربه زیسته این نسل را بیشتر درک می‌کنم و برای نسل‌های بعدی هم احترام قائل هستم.

مشیری در سال‌های ابتدای پس از انقلاب به نیویورک رفت و مانند بسیاری از دوستان دیگری که داشتم، از آموزش‌های خوبی برخوردار شد و در کنار کسانی مانند بالداساری آموزش دید. او در کال آرت لس‌آنجلس درس خواند و بنیان‌گذار آکادمی کال آرت والت دیسنی بود. شاید به همین دلیل بود که ابتدا به پویانمایی رو آورد. در مصاحبه‌ای به فریدون آو گفتند که خود را در هنر ایران چگونه می‌بیند؟ او پاسخ داد من پلی هستم از گذشته به اکنون. با تمام احترامی که برای او قائم، این عنوان را باید در سکوت مشیری دید و تولیداتش. اگر آو با حمایت و فعالیت همه‌جانبه اجرایی در مقام مجموعه‌دار و هنرپان و هنرمند این عنوان را می‌بیند اما مشیری با فهم پوچ‌گرایی فعال و انزوا و مرگ خود در مقامی حقیقی و جدی‌تر می‌ایستد.

اگرچه این رفتار را حاکی از نوعی استراتژی برندینگ می‌توان دید اما ارسطو می‌گوید همیشه بعد از مرگ کسی می‌توان به خوشبختی او پی برد....

او قله‌های اقتصادی هنر را فتح کرد اما این فتح جانی برای زیستن او نشد و جهان وانموده او را بلعید، جوان‌مرگ شد. مشیری که همیشه بافت‌های در حال اضمحلال را در آثارش نمودار می‌کرد و ترک‌ها و ناپایداری لایه‌های رنگ از زیبایی اجتناب‌ناپذیر آثارش بود. آیا هستی را ناپایدار می‌دید یا اشاره به انحطاط فرهنگ اکنون ایران داشت.



به هر حال حتی اگر او نظام زبانی و آیرونی زبان فارسی را دستاویز ایرانی‌کردن و فروش‌رفتن آثارش کرد، آیا این نظام انتخابی او بود که بر تقدیرش حاکم شد. آیا آنچه رفتار می‌کنیم و می‌گوییم در تقدیر ما نقش ایفا نمی‌کند. شوخی مهبیی است. سفارش رکونیم سالیبری به رقیبش موتزارت را به یاد می‌آورم که نوای سوکواری سرودن باعث مرگ موتزارت جوان شد. این شوخی‌ها را من نفرین تجدد می‌خوانم. زمانی زنده‌رودی و تبریزی و سخاقخانه‌ای‌ها مدعی اعتباربخشی به فرم خوشنویسی ایرانی در فقدان نشانه معنایی قراردادی زبان بودند (تصویر فرم خط می‌تواند زیبایی خالص بیافریند). اینان درباره زبانی دست‌به چنین کاری زدند که مالا مال از طنز و درام و تعلیم و آیرونی بود. حافظ و مولانا و سعدی و... قهرست بی‌پایانی از شاعران این نظام را تایید کرده بودند ولی سخاقخانه‌ای‌ها در دنباله‌روی تریسیم دیگران، جهان دیگری آفریدند. مشیری خیلی زود اعتبار و پول‌سازی این خط را دریافت و مسیر را دوباره به جریان انتقادی گذشته بازگرداند اما در مقامی دیگر و رسانه‌ای دیگر او هم به سوی دیگران نگاه داشت اما دیگران امروز زبان برایشان معنایی هستی‌شناسانه یافته بود.

سؤالات بسیاری می‌توان مطرح کرد؛ توجه به فهم دوران و بازنمایی موقعیت حقیقی زیستن‌مان تا چه حد برای هنرمند واجب است؟ در تولید اثر هنری تا چه حد باید به بیرون نگریست؟ چقدر اقتصاد در تولید هنر باید مداخله کند؟ عواقب این شیک‌شدن‌ها در هنر چیست؟ تقدیر ما آیا تحت تأثیر اعمال هنری ماست؟

کی‌یر ککور، فیلسوف وجودشناس دانمارکی، در کتاب درخشان خود (بیماری منتهی به مرگ) می‌گوید گناه نه امر سلب بلکه از جنس ایجاب است. و گناه این است که در پیشگاه خداوند ناهم‌بندانه نخواهی خودت باشی....

فرهاد مشیری از جهانی تازه متجددشده و در پی ریشه‌دارکردن حقیقت این زیستن آمده بود. نقش خود را در این روند به خوبی ایفا کرد و بر سنگ صلب تاریخ، حقیقت پدیدارشده پسین از خود را نقش زد و یادآوری کرد؛ «اگر به گاه آمده باشی... آنجا موجودیت مطلق، موجودیت محض، چراکه در غیاب خود ادامه می‌یابی و غیابت حضور قاطع ایجاز است. گذارت از آستانه ناگزیر فروچکیدن قطر قطرانی است در ماتماتی ظلمات...».

جاودانه‌شدن در صدسالگی

در زندگی‌ام به دو چیز می‌بالم: ۱-سرم را در برابر دولت‌مردان، ثروتمندان، دلالان هنر و گالری‌دارها فرود نیاوردم. ۲-توانستم دو‌برگ نوبه تاریخ هنر جهان بیفزایم؛ خراش انگشت بر روی خاک، ساختن مجسمه‌هایی که تماشاچی در شکل‌دادن به آن شرکت می‌کند.

رم- ۹ مارس ۲۰۱۷- محسن وزیری‌مقدم این جملات بر روی کاغذی ساده، از آخرین نامه‌های او برای تنهایی خودش است. یا شاید چون تمام عمر ناملایمی را خوب می‌شناخت، می‌دانست هرکس نباشد عزیزتر می‌شود! پس این چند خط را برای امروز ما نوشت که حسرت بر دل دوستدارانش بگذارد یا برای برخی دیگر که از سر حسادت قدیمی، می‌خواهند نامش را حذف کنند، یادآوری کند کینه‌توزی را کنار بگذارند. به هر حال چه او را بسناییم و چه مغرضانه نخواهیم، «محسن وزیری‌مقدم» یکی از مهم‌ترین هنرمندان تاریخ هنر ایران است. او‌که در ۱۴سالگی جادوی طراحی را تجربه کرد و در ۱۶سالگی اولین تابلوی رنگ و روغن را کشید و زندگی هنری را از کونه آغاز کرد و تا آخرین روزهای عمرش (در ۹۴سالگی) قلم‌مو و رنگ و ساختن و پرداختن، پیوند عمیق او با هنر، دلیلی برای ادای حیات او بود. کسی که لحظه‌ای دست از کار نکشید و حتی شرح زندگی ۹۴ساله‌اش را در کتاب «یادمانده‌ها» در واپسین روزهای زندگی، زمانی که پزشکان هشدار داده بودند در حال از دست دادن بینایی است، در دو ماه به قلم تحریر در آورد. حالا نوشتن این جملات برابم غم‌انگیز است؛ در وصف استاد بی‌نوسم که از سالال ۱۳۲۹ معلمی را آغاز کرده و از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۵ ریاست دانشکده هنرهای زیبا را بر عهده داشته و کتاب شیوه طراحی ۱ و ۲ او، برای هنرجویان رشته گرافیک به چاپ بیستم رسیده، اما بسیاری از هنرمندان هم‌نسل من و بعد از من، شاید اولین بار است نام او را می‌شنوند و تا به حال کارهای او را ندیده و درباره‌اش شنیده‌اند!

سه سال پیش که به همت پسرش «هامون» نمایشگاهی با عنوان «پروژه‌های تحقق‌نیافته» از آثار وزیری‌مقدم در مرکز هنری آرگو برگزار شد، سلسله استوری‌هایی را در اینستاگرام در خصوص زندگی و آثار او منتشر کردم و بازخوردی که گرفتم باعث تأسفم شد؛ همان‌طور که گفتم عده‌ای اصلا او را نمی‌شناختند و چند نفر همچنان بعد از آن همه یادداشت‌های من پرسیده بودند آیا موزه مقدم در میدان حسن‌آباد مربوط به ایشان است؟! به هر جهت، اگر از بی‌معرفتی شاگردان و غرض‌ورزی‌ها و ناملایمی و ناآگاهی ایس روزگار تلخ بگذریم؛ جمعه ۲۹ تیرماه،

به مناسبت «رویداد صدسالگی محسن وزیری‌مقدم»

جاودانه‌شدن در صدسالگی



سمانه رستمی

هنرمند و پژوهشگر

گالری‌های تهران میزبان آثار «محسن وزیری‌مقدم» شد تا به یاد صدمین سالروز تولد «نقاش و مجسمه‌ساز برجسته ایرانی» فرصتی باشد تا از یک عمر زندگی هنری و تأثیرگذاری او تجلیل شود. این رویداد بزرگ به همت «بنیاد محسن وزیری‌مقدم» به صورت هم‌زمان در ۱۱ گالری در تهران (به مدت سه هفته) با عنوان «مروری بر زندگی و آثار محسن وزیری‌مقدم» و از چهار مرداماده در ۱۱ گالری به ترتیب در کاشان، اصفهان، مشهد، شیراز، کرمان، بندرانزلی، بجنورد، رشت، تبریز و سنندج (تا آبان‌ماه) برپا خواهد بود. این رویداد بی‌سابقه در کشور، به پاس هفت دهه فعالیت حرفه‌ای هنرمندی است که تا آخرین روزهای حیات توانست کارهای متفاوت و ماندگاری خلق



به بهانه برگزاری نمایشگاه و رونمایی کتاب «چهل، سی»

گزارشی از زیست هنرمندان معاصر



شهرزاد رویانی

این کار را انجام می‌دادند. من زمانی رشد کرده بودم که کسانی مانند آقای تناولی و زنده‌رودی که من‌هم‌وسال این روزهای من بودند، توسط موزه تشویق و تقدیر می‌شدند و این رویکرد به من جوان روحیه می‌داد.»

در همین راستا شهریار احمدی، نقاش مشهور و معاصر نیز نگاه انتقادی دارد. اما در نهایت این پروژه را مانند سندی در دوران جوانی و مسیر گذشته می‌داند. احمدی در این‌باره اشاره می‌کند: «گرچه همیشه بر خود سخت می‌گیرم و هرچه می‌گذرد بیشتر به حماقت‌های خود پی می‌برم، بااین‌وجود همچنان به صحبت‌های خود در آن مصاحبه پایبندم. همان‌طور که در مصاحبه گفتم، هنر یک امر صرفاً تزئینی نیست؛ و بله قطعا بخشی از ماهیت هنر، تزئینی است و امر دکوراتیو یک منش است. چیزی که زمانی دکوراتیو نبوده حالا می‌تواند دکوراتیو باشد یا بالعکس، شاید امروز اثری دکوراتیو باشد اما در آینده نباشد. من دو کار از میان آثارم انتخاب کردم که با فاصله زمانی ۲۰ساله از یکدیگر خلق شدند. تقابل این دو دوره میزان رشد معنایی و فنی هنرمند را نشان می‌دهد. البته نمایشگاهی از این دست شاید کیوریتوری دقیق‌تری می‌طلبید اما باید بدانیم که ما همیشه بضاعت اندکی در عرصه تجسمی داریم و شاید کیوریتور به دنبال درجه‌های دیگری هم بوده اما در نهایت با توجه به شرایط، این ارائه را داشته است.»

اما تغییرات مشهود در گذر زمان از مصاحبه‌های نظری با مرتضی زاهدی بیشتر نمود دارد. زاهدی در آن روزهای دهه ۸۰ به مصورسازی مشغول بود و امروز فعالیت‌های دیگری در هنر تجسمی را نیز انجام می‌دهد. زاهدی توضیح می‌دهد: «من آن سال‌ها بر مصورسازی متمرکز بودم و گفت‌وگوی درج‌شده در کتاب «چهل، سی» ربطی به آثاری که در این نمایشگاه به نمایش گذاشتم ندارد. اولین بار در سال ۲۰۰۹-۲۰۱۰ در نمایشگاهی اسمبلاژها را



جاودانه‌شدن در صدسالگی

کند. آثار «وزیری‌مقدم» ترکیبی از سنت و مدرنیته است و باید سیر زندگی هنری او را به صورت دوره‌ای دید و به حافظه تاریخ هنر سپرد. این رویداد بزرگ فرصتی است تا این دوره‌ها را در این ۲۲ گالری به تماشا بنشینیم. آثاری که در ابتدا با بهره‌گیری از عناصر فرهنگی و هنری ایران باستان آغاز شد و سپس در دوره‌های بعد، سبک‌های جدیدی را به وجود آورد که هم‌زمان نوآورانه و ریشه‌دار در فرهنگ ایرانی بود. نقاشی‌ها و مجسمه‌های او اغلب دارای فر‌های انتزاعی و هندسی هستند و با رنگ‌های زنده و پرچرب‌وچوش ترکیب شده‌اند. از دیگر ویژگی‌های بارز آثار وزیری‌مقدم، توانایی او در ترکیب و تلفیق و استفاده از مواد گوناگون و تکنیک‌های متنوع است که نه‌تنها به شکل‌گیری و توسعه هنر مدرن ایرانی کمک بسیاری کرده، بلکه زمینه‌ساز تحولات اساسی در هنر ایران شده است. این ویژگی‌ها، علاوه بر اینکه آثار او را از دیگران متمایز می‌کند، بلکه باعث می‌شود حتی بعد از گذشت بیش از ۵۰ سال، همچنان به‌روز و مدرن به نظر برسند و همین تفاوت باعث شده تنها نقاش ایرانی باشد که موزه هنرهای مدرن نیویورک (MOMA) اثر او را بدون واسطه خریداری کند. گرچه در این میان باید یک سؤال اساسی از متصدیان و مدیران منصوب‌شده در دایره فرهنگ و هنر پرسیم؛ آیا وظیفه موزه هنرهای معاصر کنومرمان نبود برای یک بار هم که شده نمایشگاهی درخور چنین هنرمند برجسته‌ای در طول عمر دراز او یا پس از درگذشتش برگزار کند؟ البته معلوم است باید از این سؤال هم بگذریم... در نهایت، آنها که باید بدانند، می‌دانند! «محسن وزیری‌مقدم» با تدریس و آموزش، نقش مهمی در پرورش و هدایت نسل‌های مختلف هنرمندان ایرانی ایفا کرد. بسیاری از هنرمندان برجسته معاصر به نوعی تحت تأثیر آموزه‌ها و دیدگاه‌های او قرار گرفته‌اند. آثار او در طول سالیان مختلف، در نمایشگاه‌های بین‌المللی به نمایش درآمده و مورد تحسین قرار گرفته و این امر باعث شناخته‌شدن بیشتر هنر معاصر ایران در سطح جهان و ارتقای جایگاه آن شده است.

رویداد «صدسالگی محسن وزیری‌مقدم» بی‌تردید یکی از مهم‌ترین رویدادهای فرهنگی هنری سالیان اخیر است و برایی هم‌زمان در گالری‌های تهران و شهرهای دیگر ایران، نه‌تنها یادآور جایگاه ویژه او در هنر معاصر ایران است، بلکه به شناخت بیشتر هنر او در سطح ملی کمک می‌کند تا با آثار و اندیشه‌های این هنرمند بزرگ ایرانی بیشتر آشنا شوند.

هنرمند بودن بجزترکه انداختن نیست؛ برای آنها که شکیبایی را آموخته‌اند؛ آسوده و آرامند گویی ابدیت را در برابر خود دارند.

رویداد صدسالگی محسن وزیری‌مقدم

به نمایش گذاشتم. ساخت این اثر یک ماه پیش تمام شد اما از ۱۲ سال پیش مشیرش آغاز شده است و ۱۳ سال از آخرین نمایشگاه من در داخل کشور می‌گذرد. اسباب‌بازی به عنوان کالایی که برای همه مردم زمین آشناست، اکنون در نحوه اسمبلاژ به آشنایی‌زدایی رسیده است. همه اسباب‌بازی را داشتند ولی این رفتار را با کالای صرفی نداشتند در نتیجه، هم آشنا و هم ناآشناست، زیرا اسباب‌بازی‌ها به هم می‌چسبند و وضعیت و حجمی را به وجود می‌آورند. من قبلاً درس می‌دادم و مادراتی که متوجه کار من شدند که اسباب‌بازی‌ها از این اسباب‌بازی بزرگی از اسباب‌بازی برای من برای من می‌آوردند تا این آثار شکل بگیرد. اسباب‌بازی‌ها اول به هم چسبیدند و بعد نقاشی شدند». نکته جذاب برای دیگر هنرمندان این پروژه به ۱۵ سال گذشته مرتبط است، ۱۵ سالی که آغازی درخشان بر نسل مورد توجه در این نمایشگاه محسوب می‌شود. فرهاد فرونی، گرافیست و هنرمند مفهومی، درباره گذر از این سال‌ها بی‌نیام می‌کند: «وقتی آثار هنرمندان را می‌بینم با جنبه آموزشی مواجه هستم. گویی در یک گالری‌گردی می‌توان سیری از فرم و معنا را در آثار هنرمند مشاهده کرد. اینکه ایده‌های هر هنرمند از کجا شروع شده و به کجا ختم می‌شود. در این راستا کتاب هم به‌خوبی و با جزئیات بیشتری این تحول را نشان می‌دهد». فرونی درباره آثار خود در این پروژه تأکید می‌کند: «من در این نمایشگاه دو اثر را به دو دوره مختلف به نمایش گذاشتم. یک اثر مربوط به ۱۲ سال گذشته است که با شعرهای بر روی نقشه تهران شکل گرفته و به ارتباط شخصی من با تهران برمی‌گردد. دومی هم مجسمه تعلیق است که در نهایت به نظر من کلمه‌ای است که شعر است و این بار مجسمه‌ای سنگین و معلق در هواس‌ت.»

از تأثیر کتاب و نحوه معرفی هنرمندان در کتاب و تأثیرش بر نگاه هنرمندان و گفت‌وگوهایی میان خودشان بسیار شنیدنی بود. با توجه به اینکه سال‌ها از آن روزهای مصاحبه گذشته حالا هنرمندان با اشتیاق به گفته‌های خود در کتاب می‌نگریستند.

بهرگت صمدزادگان، هنرمند، منتقد و کیوریتور هنر تجسمی درباره شوق خواندن صحت‌های قدیمی‌اش در کتاب «چهل، سی» می‌گوید: «خیلی زود به گالری آدم‌تا ببینم دوستام‌ت از دیروز تا امروز را چه تغییری همراه فرهاد بودند و صحبت‌های همه‌مان را در کتاب مرور می‌کنم. به فرهاد فرونی می‌گفتم که هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم مصاحبه‌های دهه ۳۰ زندگی‌ام به کتاب بدل شود و اسامی ما در کنار هم قرار بگیرد و با التهاب به سراغ کتاب رفتم. به یاد دارم که آن روزگار جقدر خوشحال بودم که کسی از مجله «تندیس» تصمیم به مصاحبه با من دارد. انتخاب مقدمه‌ها از سوی شهروز نظری واقعا با نکته‌سنجی رخ داده است. دوستام‌ت ازجمله حسین سلطانی به نقاشی از پیکان‌ها معروف قدیمی‌اش که حالا دیگر آتش گرفته حضور دارد. سند مکتوب همیشه اهمیت دارد و متأسفانه در مملکت ما خیلی چنین اسنادی وجود ندارد. ما همیشه خودمان به دنبال نوشته‌هایی در اسناد مکتوب سال‌های مثلا ۱۳۴۰ بودیم و وقتی جمله‌ای درباره هنرمندی در گذشته پیدا می‌کردیم واقعا خوشحال می‌شدیم و برابم جالب است که حالا خودم هم به همان اسناد پیوسته‌ام». صمدزادگان درباره آثار خود اشاره می‌کند: «کار جدید من با عنوان «سکوت قصر» برگرفته از شرایط اجتماعی خودمان است و از سویی دیگر به رمان «قصر» کافکا و فضای دهلزوار اثر برمی‌گردد و در فاصله ۱۳ سال از کار قدیمی‌ام خلق شده است. اثر قدیمی نیز متأثر از فضای سیاسی ایران و جهان آن سال‌هاست. همیشه در آن دوران مسئله ستیز بر سر هویت داشتم که با تندگویی و کنایه در آثارم نشان می‌دادم.»

شرق

گالری

رویدادی بزرگ

برای صدمین سال تولد

محسن وزیری مقدم

شرق: رویداد صدسالگی محسن وزیری‌مقدم، هنرمند نوگرای معاصر ایرانی، با مدیریت بنیاد وزیری‌مقدم و همراهی تعدادی از گالری‌های هنری سراسر کشور در شرف برگزاری است. محسن وزیری‌مقدم که متولد تهران بود و سال ۱۳۹۷ در پایتخت ایتالیا درگذشت، پنجم مرداد امسال صدساله می‌شد.

به باور بسیاری صاحب‌نظران، او از نخستین مؤلفان هنر نوگرای ایرانی بود و نقش انکارناپذیرش در پی‌ریزی بنای هنر معاصر ایران، آوازه جهانی داشت؛ از تحصیل در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران تا دهه‌ها فعالیت هنری در ایتالیا. محسن وزیری‌مقدم دوره‌های کاری متعددی را در طول عمر حرفه‌ای خود پشت سر گذاشت که با فازهای مهمی همچون نقاشی‌های شنی، مجسمه‌های مفصلی و هراس و پرواز در خاطر فرهنگ معاصر ایران ماندگار شده و قرار است به بهانه صدمین سالگرد تولدش در ۲۲ فضای هنری در معرض نمایش و بازبینی قرار گیرند. فضاهای هنری همراه با رویداد صدسالگی محسن وزیری‌مقدم عبارت‌اند از ۱۱ گالری در تهران شامل پروژه‌های ۹۸۲۱۰۰۰، کالری اعتماد، زیرزمین دستان، پلاس ۲ دوتک، گالری باوان، مدار موازی، گالری طراحان آزاد، گالری والی، گالری بستان، سامستر، پلاس۲ فرشته و ۱۱ گالری در شهرستان‌ها ازجمله گالری فیوز در شهر کاشان، گالری امروز در شهر اصفهان، گالری هنگام در شهر مشهد، گالری سروناز در شهر شیراز، ما رزیدنسی در شهر کرمان، کالری چوم در شهر بندرانزلی، فضای هنری سیس در شهر بجنورد، امانتداری در شهر رشت، گالری آتلیه کیود در شهر تبریز، گالری بی در شهر سنندج و فضای هنری هشت چشمه در شهر کاشان. رویداد صدسالگی این هنرمند برنامه‌های فرهنگی مختلفی را شامل می‌شود که از ۲۹ تیر تا ۱۱ آبان برگزار خواهد شد و کیوریتوری آن بر عهده هامون وزیری‌مقدم و مدیریتش با زهره دل‌داده است. محسن وزیری‌مقدم که در ۹۴سالگی در شهر رم درگذشت، از نخستین نسل نقاشان نوگرای ایرانی بود. وزیری‌مقدم ازجمله شاخص‌ترین هنرمندان نسل دوم نقاشان نوگرای ایران بود که با آثار قابل توجهی را با رویکرد مدرنیستی خلق کرده است. ازجمله آثار شناخته‌شده او مجموعه نقاشی‌هایش با شن سیاه بر روی چوب و بوم و مجموعه مجسمه‌های چوبی بزرگی متحرک است. برگزاری چنین رویدادی با ویژگی‌های منحصر‌به‌فرد وزیری‌مقدم که به تعبیری از در عرصه هنر متریال گذر کرده و معنا را در نظر گرفته بود، تأثیر چشمگیری بر نسل هنرمندان جوان خواهد داشت. افتتاحیه این‌نمایش برنامه‌های متنوعی خواهد داشت. افتتاحیه این‌نمایش از ۱۱ کالری مختلف خود، بر فضا به نمایش مجسمه‌های اسباب‌بازی از آثار محسن وزیری‌مقدم اختصاص داده شده است. برنامه نمایش آثار به ترتیب سال خلق آنها به شرح زیر است.

برنامه گالری/فضاهای همراه با رویداد «محسن وزیری‌مقدم، صدسالگی»:
گالری پروژه‌های ۹۸۲۱۰۰۰، نمایش آثار فیکوراتیو-مربوط به سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۸.
گالری اعتماد؛ نمایش آثار فرم فضا مربوط به سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۹.
زیرزمین دستان؛ مجموعه مونوتایپ‌های سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۲.
گالری پلاس ۲ شعبه ده‌دوتک؛ مجموعه نقاشی‌های شنی مربوط به سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۴.
گالری باوان؛ نمایش مجسمه‌های مربوط به سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۳.
گالری مدار موازی؛ مجموعه «هراس و پرواز» مربوط به سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۶۸.
گالری طراحان آزاد؛ آثار انتزاعی مربوط به دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰.
گالری والی؛ آثار نقاشی خط و کلاژ مربوط به دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰.
فضای هنری سامستر فرشته؛ تک‌اثر مجسمه مفصلی، ۱۳۹۴.
گالری بستان؛ اثر نقاشی شنی روی آلومینیوم، ۱۳۹۶.
گالری پلاس ۲ شعبه فرشته؛ آرشپو و سال‌شمار زندگی هنرمند.